

بررسی مقابله‌ای ارجاع صریح و ضمنی در متون انگلیسی و فارسی: گزارش پیشرفت تحقیق از نیمه راه

دکتر لطف‌الله یارمحمدی
دانشگاه شیراز

خلاصه:

ارجاع در این تحقیق اصطلاحاً به ارتباط بین تعبیری اسمی یا شیئی یا شخصی در عالم خارج اطلاق می‌شود، چه این مصداق واقعی باشد چه تخیلی. ارجاع در گفتمان، معمولاً توسط سه مقوله از تعبیرات اسمی صورت می‌گیرد. این تعبیرات عبارتند از: ۱- اسامی خاص، ۲- عبارات اسمی، ۳- ضمائر. هرکدام از این مقوله‌ها می‌توانند زیرمقوله‌ای داشته باشند. مثلاً اسامی خاص می‌توانند الف - نام یا نام خانوادگی باشند، مانند: حسن و مهدوی و یا ب - عنوان مانند: استاد، دکتر، مهندس و غیره. عبارات اسمی می‌توانند الف - نکره باشند و ب - معرفه. برای معرفه کردن تعبیرات اسمی زبانهای مختلف، از شگردهای گوناگون صرفی، نحوی و گفتمانی بهره می‌جویند. مثلاً در زبان انگلیسی در بسیاری از موارد از سه نوع وابسته پیشین مانند: ۱- وابسته ملکی، ۲- ادات اشاره و ۳- ادات تعریف استفاده می‌شود. برای اینکه تعبیری صریح تلقی شود؛ باید دو اصل زیر بر آن قابل اطلاق باشد:

- ۱- تعبیر مورد نظر مشخص باشد یعنی اینکه برای دسترسی به مصداق مربوط اطلاعات روشن، کافی و بدون ابهام وجود داشته باشد.
 - ۲- اشاره به مصداق مستقیم باشد نه از طریق عوامل میانجی
- با اعمال دو اصل بالا به زیرمقوله‌های تعبیرات فوق، می‌توان دید که این تعبیرات از درجات صراحت متفاوتی برخوردارند و آنها را برحسب میزان صراحت از بیشترین تا کمترین، می‌توان به ترتیب زیر مرتب نمود.

نام ← عنوان ← عبارت اسمی ملکی ← عبارت اسمی با وابسته اشاره ←
 عبارت اسمی معرفه ← عبارت اسمی نکره ← ضمیر
 البته باید اضافه کرد که تعبیرات ملکی برحسب نوع وابسته ملکی می‌توانند
 زیرمقوله‌هایی با صراحت‌های متفاوت داشته باشند. هدف این بررسی این است که
 مشخص کنیم متون زبان فارسی با متون متناظر خود در زبان انگلیسی از نظر
 درجه صراحت چه فرقی دارند و اگر فرقی دارند در چه زمینه‌ای است و میزان آن
 چقدر است.

۱- مقدمه:

ارجاع که در این مقاله معادل کلمه انگلیسی رفرنس (Reference) انتخاب شده است
 در ابعاد گونه‌گون خود چه در زبان‌شناسی صوری و چه در زبان‌شناسی نقشی، مورد
 بررسی‌های گسترده قرار گرفته و مانند بسیاری از تعبیرات دیگر در زبان‌شناسی، منطق،
 معناشناسی، دستور، متن و گفتمان به معانی مختلف به کار برده شده است. مثلاً ارجاع
 در انگلیسی از نظر هالیدی و حسن (۱۹۷۶) که ضمائر (بخصوص ضمائر سوم شخص)،
 ادات اشاره، حرف تعریف و صیغه‌های تفضیلی را در بر می‌گیرد یکی از پنج عامل عمده
 ایجاد انسجام در متن بشمار می‌آید. لایتز (۵۳: ۱۹۷۲) از بُعدی دیگر تعریفی از ارجاع
 به شرح زیر ارائه می‌دهد: «ارجاع عبارت از رابطه‌ای است که بین تعبیرات زبانی (یعنی
 اسامی و گزاره‌ها) از یک طرف و اشیاء یا صنات قابل رؤیت (و یا مقوله‌هایی از اشیاء و
 خصوصیات مربوط) مورد اشاره و یا مورد دلالت از طرف دیگر برقرار می‌شود». (ترجمه
 از نگارنده است).

در این نوشته ارجاع به این معنا به کار گرفته شده است.

ارجاع در گفتمان معمولاً توسط سه مقوله از تعبیرات اسمی صورت می‌گیرد. این
 تعبیرات عبارتند از:

(۱) اسامی خاص (۲) عبارات اسمی (۳) ضمائر. هر کدام از این مقوله‌ها می‌توانند
 زیرمقوله‌هایی داشته باشند. مثلاً اسامی خاص می‌توانند الف) نام یا نام خانوادگی
 باشند: مانند حسن و مهدوی و یا ب) عنوان: مانند استاد، دکتر، مهندس و غیره. البته این
 برداشت از اسم خاص کمی با شیوه متعارف مرسوم فرق می‌کند. عبارات اسمی

می‌توانند الف) نکره باشند و ب) معرفه. برای معرفه کردن تعبیّرات اسمی زبانهای مختلف از شگردهای گوناگون صرفی، نحوی و گفتمانی بهره می‌گیرند. مثلاً در زبان انگلیسی در بسیاری از موارد از سه نوع وابسته عمده پیشین برای معرفه کردن هسته عبارت اسمی استفاده می‌شود که عبارتند از:

(۱) وابسته‌های ملکی مانند Mehdi's/his (house) (۲) ادات اشاره مانند This (house) (۳) حرف تعریف مانند The (house). این ترکیبات به ترتیب عبارات ملکی عبارات اشاره‌ای و عبارات اسمی عام معرفه را تشکیل می‌دهند. معمولی‌ترین ضمایر، ضمایر شخصی هستند، گو اینکه وابسته‌های ملکی و ادات اشاره نیز در هنگام حذف هسته عبارت حکم ضمیر پیدا می‌کنند. معادل تعبیّرات فوق در فارسی در اغلب موارد به ترتیب عبارتند از:

(۱) اضافه ملکی (۲) گروه اسمی همراه با وابسته اشاره مانند این و آن (۳) تعبیّرات اسمی عام که به شیوه‌ای معرفه شده‌اند مانند در مقام مضاف یا اسم موصول قرار گرفتن، اضافه شدن نقش نمای - را یا - ه به آخر تعبیر اسمی و یا از طریق دیگر امارات و اشارات نحوی و گفتمانی و متنی که ابعاد آن از بعضی جهات کاملاً روشن نیست. عبارات اسمی نکره در انگلیسی غالباً با حرف نکره a آغاز می‌شوند مانند a (house). در فارسی بسیاری از اوقات عبارات اسمی نکره پسوند «ی» نکره دارند. حضور این پسوند لزوماً عبارات اسمی را نکره نمی‌کند و عدم حضور آن نیز لزوماً دال بر نکره نبودن عبارت اسمی نیست، مسأله نکره و معرفه در فارسی بحث گسترده‌ای می‌طلبد که از حوصله این مقال خارج است.

بنا بر گفته عزیز (۱۹۹۳) برای اینکه تعبیری صریح تلقی شود باید دو اصل زیر بر آن قابل اطلاق باشد:

- ۱- تعبیر مورد نظر باید مشخص و معین باشد. یعنی اینکه برای دسترسی به مصداق مربوط اطلاعات روشن، کافی و بدون ابهام وجود داشته باشد.
- ۲- اشاره به مصداق مستقیم باشد نه از طریق عوامل میانجی. با اعمال دو اصل فوق به زیرمقوله‌های تعبیّرات بالا می‌توان دید که این تعبیّرات از درجات صراحت متفاوتی برخوردارند.

با توجه به دو اصل بالا، ضمایر در مقایسه با عبارات اسمی از صراحت کمتری برخوردارند، چراکه ضمایر بطور غیرمستقیم و از طریق میانجی به مصداق خود اشارت دارند، حال آنکه این اشارت در عبارات اسمی مستقیماً صورت می‌گیرد. اسامی خاص از عبارات اسمی صراحت بیشتری دارند؛ زیرا اسامی خاص مشمول مضمون هر دو اصل یاد شده می‌باشند و دستیابی به مصداق آنها به آسانی صورت می‌گیرد و اشارات به مصداق مشخص و انحصاری است، حال آنکه در مورد عبارات اسمی با اینکه اشارت به مصداق (چه واقعی و چه تخیلی) مستقیم است انحصاری نیست و تشخیص مصداق به درجات مختلف بر سیاق کلام و موقعیت و طبیعت گفتمان متکی است.

زیر مقوله‌های اسامی خاص و عبارات اسمی را نیز می‌توان برحسب میزان صراحت و یا نضمن درجه‌بندی کرد. صراحت نام از عنوان بیشتر است. آقایان مهدوی، تفضلی و مقدم هر سه عنوان استاد دارند. طبعاً از طریق نام آنان سریعتر به آنها دستیابی پیدا می‌کنیم تا از طریق عنوانشان. و نیز صراحت عبارات اسمی معرفه که اطلاعات مشخص و روشنتر برای دستیابی به مصداق آنها در دسترس است؛ از تعییرات اسمی نکره بیشتر است. بهمین ترتیب در داخل عبارات اسمی، گروه‌های اسمی با وابسته‌های ملکی (با عنایت به اینکه مالکیت مربوط به شخص است) یعنی عبارات ملکی یا اضافه‌های ملکی، صریحتر از عبارات اسمی حاوی اادات اشاره یعنی عبارات اشاره‌ای و عبارات اشاره‌ای صریحتر از عبارات اسمی عام معرفه می‌باشند.

بعنوان مثال صراحت کتاب مهدی (Mahdi's book) از این کتاب (This book) بیشتر است، چراکه در جوامع انسانی روابط انسانها عموماً بر روابط بین دیگر عوامل طبیعت تقدم دارد و برای افراد روشنتر است. از طرفی صراحت این کتاب از کتابه (The book) بیشتر است، چراکه برای رسیدن به مصداق کتاب در حالت دوم باید از امارات در متن باری جست. حال آنکه در مورد کتاب اول علاوه بر امارات متنی، گویشور زبان می‌داند که کتاب مورد نظر در نزدیکی او نیز قرار دارد.

بر عبارات اسمی بخصوص بر عبارات ملکی با توجه به وابسته‌های متفاوت آنها می‌توان زیرمقوله‌هایی به شرح زیر با صراحت‌های متفاوت تصور شد:

الف - در زبان انگلیسی تعییرات ۱ تا ۵ به ترتیب از صراحت بیشتری برخوردارند.

۱- اسم خاص ملکی + گروه اسمی مانند Mahdi's elder son، ۲- ادات اشاره + گروه اسمی (یا بطور دقیقتر ادات اشاره + اسم عام ملکی + گروه اسمی) مانند This mari's elder son، ۳- اسم عام معرفه ملکی + گروه اسمی (یا حرف تعریف + اسم عام ملکی + گروه اسمی) مانند The man's elder son، ۴- اسم نکره ملکی + گروه اسمی (یا ادات نکره + اسم عام ملکی + گروه اسمی) مانند A man's elder son، ۵- ضمیر ملکی + گروه اسمی مانند His elder son (ناگفته نماند که در دستوره‌های زبان فارسی این گونه ضمیر ملکی را به خاطر نقش آن صفت ملکی خوانده‌اند).

این تعبیرات را می‌توان به فارسی به طریق زیر به ترتیب ترجمه کرد:

۱- پسر ارشد مهدی، ۲- پسر ارشد این مرد، ۳- پسر ارشد مرده، ۴- پسر ارشد مردی، ۵- پسر ارشد او (یا پسر ارشدش). ساخت آنها را به ترتیب زیر نامگذاری می‌کنیم: ۱- گروه اسمی (مضاف) + اسم خاص ملکی، ۲- گروه اسمی (مضاف) + ادات اشاره + اسم عام ملکی، ۳- گروه اسمی (مضاف) + اسم عام معرفه ملکی، ۴- گروه اسمی (مضاف) + اسم نکره ملکی، ۵- گروه اسمی (مضاف) + ضمیر ملکی. لازم است اضافه شود که در انگلیسی تعبیراتی چون The door of the house نیز عبارات ملکی تلقی می‌شوند.

تمام عبارات بالا دارای هسته یکسان می‌باشند ولی وابسته‌های آنها متفاوت است و درجه صراحت آنها نسبت به یکدیگر به وابسته‌ها مربوط می‌شود. در سطور بالا میزان صراحت تعبیرات وابسته مورد نظر توضیح داده شد. باید اضافه کنیم که تمام عبارات بالا از نوع عبارات ملکی با هسته می‌باشند.

ب- در انگلیسی می‌توان هسته عبارات اسمی از جمله عبارات پنجگانه مذکور در بالا را با ضمیر مبهم one جانشین کرد و ۵ عبارت متناظر به نام عبارات ملکی با هسته ضمیر مبهم (Proform head NP) به شرح زیر به دست آورد.

This man's elder one -۷

Mahdi's elder one -۶

A man's elder one -۹

The man's elder one -۸

His elder one -۱۰

از آنجا که ضمیر از اسم صراحت کمتری دارد پس تمام عبارات ۶ تا ۱۰ از عبارات ۱ تا ۵ صراحت کمتری دارند. بعلاوه عبارات ۶ تا ۱۰ به ترتیب براساس نوع وابسته‌هایشان از

صراحت بیشتری برخوردارند. این ساختارهای انگلیسی باید به ساختارهای متفاوتی در فارسی برگردان شوند.

ج - ممکن است هسته عبارات اسمی و بخصوص عبارات ملکی در انگلیسی به قرینه حذف شود و به ترتیب منتج به ساختهای عبارات اسمی یا هسته محذوف و یا عبارات ملکی با هسته محذوف بشود. به تعبیرات ۱۱ تا ۱۵ توجه کنید.

۱۱ - Mahdi's ، ۱۲ - This man's ، ۱۳ - The man's ، ۱۴ - A man's و ۱۵ - His

اولاً این تعبیرات بعلت نداشتن هسته (که باید با توسل به متن بطور غیرمستقیم به آن دست یافت) از تمام تعبیرات مشروح در شماره‌های ۱ تا ۱۰ صراحت کمتری دارند. از طرفی بنا به دلایلی که قبلاً به آنها اشارت رفته است؛ این تعبیرات به ترتیب از ۱۱ تا ۱۵ از صراحت بیشتری برخوردارند. به نظر می‌رسد که کاربرد این تعبیرات در انگلیسی بیشتر از فارسی است و در مواردی به ترتیب به صورت ۱ - مال مهدی ۲ - مال این مرد، ۳ - مال مرده، ۴ - مال مردی ۵ - مال او به فارسی ترجمه می‌شوند. به این ترتیب معلوم می‌شود که ارجاعات از نظر صراحت، طیفی تشکیل می‌دهند که در یک طرف آن نام با بیشترین صراحت و در طرف دیگر ضمیر با کمترین صراحت قرار دارد. طیف ارجاعات مورد بحث از نام تا ضمیر را مثلاً در فارسی می‌توان به شیوه زیر ترتیب داد:

نام ← عنوان ← گروه اسمی ← + اسم خاص ملکی ← گروه اسمی + گروه اسمی
اشاره ملکی ← گروه اسمی + اسم عام معرفه ملکی ← گروه اسمی + اسم نکره
ملکی ← گروه اسمی + ضمیر ملکی

عبارات پنجگانه ملکی با هسته ضمیر مبهم (که گفته شد در انگلیسی وجود دارد و در فارسی به احتمال زیاد موجود نیست. در انگلیسی ترتیب صراحت آنها برحسب میزان صراحت وابسته‌های آنها است).

← عبارات پنجگانه ملکی با هسته محذوف (این پنج عبارت نیز در داخل خود بر حسب میزان صراحت وابسته‌ها مرتب می‌شوند).

← عبارات اسمی اشاره‌ای ← عبارات اسمی عام معرفه ← عبارات اسمی اشاره‌ای و عام معرفه با هسته ضمیر مبهم (که در فارسی کم است) ← عبارات اسمی اشاره‌ای و عام معرفه با هسته محذوف (که زیرمقوله‌های آن بر حسب وابسته‌ها در صورت موجود

بودن مرتب می شوند) ← عبارات اسمی نکره ← عبارات اسمی نکره یا هسته ضمیر مبهم (که در فارسی به احتمال زیاد وجود ندارد) ← عبارات اسمی نکره با هسته محذوف ← ضمیر

۲- فرضیه تحقیق

با عنایت به محتویات مقدمه، دو فرضیه تحقیقی زیر ارائه می شود:

الف - گفتمان گونه های هر زبان با گفتمان گونه های متناظر خود یا ترجمه آن در زبانهای دیگر از نظر میزان صراحت ارجاع تفاوت دارند.

ب - گفتمان گونه های یک زبان واحد نیز در مقایسه با همدیگر، میزان صراحت متفاوتی را یدک می کشند. با اندکی تأمل در متون مختلف پرسش تحقیقاتی زیربنای این دو فرضیه به آسانی به ذهن متبادر خواهد شد. مثلاً به متن انگلیسی زیر مآخوذ از همینگوی (۲۶: ۱۹۵۲) و ترجمه فارسی آن از دریا بندری (۸۶: ۱۳۶۳) توجه کنید:

English Text

All my life the early sun has hurt my eyes, he thought (1), Yet they are still good (2). In the evening I can look straight into it without getting the blackness (3). It has more force in the evening too (4). But in the morning it is painful (5).

Just then he saw a man-of-war bird with his long back wings circling in the sky ahead of him (6). He made a quick drop, slanting down on his back-swept wings, and then circled again (7).

"He's got something" the old man said aloud (8).

ترجمه فارسی

پیرمرد با خود گفت که در تمام عمرم آفتاب اول صبح چشمم را زده است (۱). ولی چشمهای من پرسواست (۲). غروب می توانم راست توی خورشید نگاه کنم و چشمم سیاهی نرود (۳). غروب زور خورشید بیشتر است (۴) اما صبح چشم آدم را می زند (۵) درست در این هنگام بود که پیرمرد شالویی را دید که با بالهای بلند سیاهش در آسمان

بالای سر او چرخ می‌زد (۶). پرنده خود را تند پایین انداخت و با بالهای واپس خفته کج فرود آمد و سپس باز به چرخ زدن پرداخت (۷). پیرمرد با صدای بلند گفت «این چیزی دیده» (۸).

با مطابقت دو متن معلوم می‌شود که ارجاعات ضمیری he, he, it, it, it, they, he در جملات (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ به ترتیب به ارجاعات غیرضمیری پیرمرد، چشمهای من، خورشید، خورشید، چشم آدم، پیرمرد، پرنده و این برگردان شده‌اند که همگی در مقایسه با تعبیر انگلیسی متناظر خود از صراحت بیشتری برخوردارند.

هرگونه تغییر در ترجمه و جانشین کردن تعبيرات اسمی با ضمیر (همانند اصل انگلیسی آن) موجب ضعف تألیف و تعقید لفظی شدید همانطور که در علم معانی قدیم نیز بحث آن رفته است خواهد شد (رک: شمیسا، ۵۳: ۱۳۷۴)

برای اینکه به مقتضای اوضاع و احوال سخن بگویم (که این کار را اغلب می‌کنیم) ممکن است در حالتی که در انگلیسی نام آورده‌ایم در فارسی عنوان بیاوریم و یا برای رعایت احترام و ادب مناسب باشد در مواقعی به جای ضمیر در انگلیسی خود اسم را در فارسی تکرار کنیم و همین حکم بر گفتمان گونه‌های مختلف و یا دوره‌های متفاوت زبان واحد نیز ساری و جاری است.

در جای دیگر نگارنده اشاره کرده است (رک: یارمحمدی، ۱۳۷۱) که در قطعه‌ای درباره زندگی حضرت داوود از تفسیر قرآن کمبریج مربوط به قرن چهارم هجری (۱۱: ۱۳۴۹) از آغاز تا انتها هر جا اشاره به داوود می‌شود خود لفظ داوود که نام است و بالاترین میزان صراحت را دارد؛ تکرار می‌شود. حال آنکه در متن دیگری از فصل دهم از کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات از معین‌الدین اسفرازی (۱۳۳۸) مربوط به قرن نهم هجری در اشاره به شخص اوکتای قآن از تمهید ترادف چون برادر، پسر، پادشاه بیشتر بهره گرفته شده و از ۲۰ بار ارجاع تنها هفت بار از نام او استفاده شده است. پس از این جهت این متن در مقایسه با تفسیر قرآن کمبریج از صراحت کمتری برخوردار است. دلیل آن می‌تواند مربوط به طبیعت دو متن باشد و یا گرایشی که در عصری معین بر نوشته‌ها حاکم بوده است و یا حتی گرایش خود نویسنده. با توجه به نکات فوق، بحث و بررسی دو فرضیه این تحقیق در حوزه زبان‌شناسی کلان (متن و

گفتمان) قرار می‌گیرد و اصول آن بیشتر سبک‌شناختی (و یا بلاغی) است تا دستوری و باید توجه داشت که اصول بلاغی اصولی گرایشی است نه قانونمندی مطلق.

۳- روش تحقیق

در عنوان گفته شده است که این سخن‌گزارش پیشرفت تحقیق از نیمه راه می‌باشد. این بدان معنا است که با توجه به فرضیه‌ها ابزاری مناسب تعیین، داده‌هایی انتخاب و شیوه تجزیه و تحلیلی مشخص شده است و هنوز تجزیه و تحلیل ادامه دارد. پردازش نهایی تمام نتایج صورت نگرفته و حکمی که صادر شده نهایی نیست. چون نگارنده این سطور بر این عقیده است که تعیین میزان صراحت گفتمان‌گونه‌ها می‌تواند یکی از ابزار بسیار مهم سبک‌شناسی به شمار آید، بخش مهمی از این گفتار به شرح و حاشیه روش تحقیق این پژوهش اختصاص داده می‌شود. باشد که علاقه‌مندان متن و سبک‌شناسی با به کار گرفتن آن ظرایف و دقایق متون را بکارند و استشعار بیشتر به ویژگی‌های متون پیدا کنند. در این تحقیق فرضیه اول با داده‌های ترجمه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است و بررسی فرضیه دوم در پژوهش دیگر مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱-۳- داده‌های تحقیق

برای مقابله دو زبان انگلیسی و فارسی از جهت صراحت ارجاع، قرار شده است که از هر یک، متون زیر و ترجمه‌های آنها حدود ۱۲۵ صفحه انتخاب شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. این متون عبارتند از:

۱. دمی با خیام از علی دشتی (۱۳۴۴). In Search of Omar Khayyam ترجمه الول ساتن (۱۹۷۱)

۲. سیاستنامه از خواجه نظام‌الملک به کوشش جعفر شعمار (۱۳۵۸) و The Book of Government and Rules of Kings ترجمه هیوبرت دارک (۱۹۷۸)

۳. اسلام و سیمای تمدن غرب از سیدمجتبی رکنی موسوی لاری (۱۳۶۰) و Western Civilization Through Muslim Eyes ترجمه گولدینگ (۱۹۷۷)

۴. پیامبر، چاپ ۲۱، از زین‌العابدین رهنما (۱۳۵۳) و Payambar, The Messenger ترجمه الول ساتن (۱۹۷۱)

۲-۳- ابزار و شیوه کار

ابزار و شیوه کاری که در این بخش بیان می‌شود؛ مخصوص فرض اول و داده‌های ترجمه‌ای است. اگر داده‌ها دو گفتمان‌گونه متشابه متعلق به دو زبان و یا دو گفتمان‌گونه متفاوت زبان واحد باشند طبعاً شیوه کار متفاوت خواهد بود.

برای مشخص کردن تفاوت ارجاعات متن اصلی با ترجمه آن باید یک یک جملات را مقایسه کنیم. در مقایسه معلوم می‌شود که متن اصلی با ترجمه همانند است یا متفاوت. مثلاً نام به نام برگردان شده است یا نام به عنوان. محقق می‌تواند تک‌تک تشابهات را فهرست کند و همچنین فرد فرد تفاوتها را و بعد نسبت این دو را به دست آورد که می‌تواند از جهات مختلف روشنگر و آموزنده باشد. اما در این پژوهش چون غرض تعیین میزان صراحت دو متن است و ارجاعات مشابه صراحت مساوی دارند و در محاسبه نهایی تأثیری نمی‌گذارند، پس در این مرحله از تحقیق توجه به مشخص کردن تفاوتهاست. با عنایت به آنچه در مقدمه آورده شد و مقوله‌های ارجاعی چندی شمرده شد و صراحت هر یک نیز نسبت به دیگر مقوله‌ها معین گردید، برای تهیه ابزاری جهت مشخص کردن تفاوتها، الگوهای مقابله‌ای چندی می‌توان تمییز کرد. مثلاً ممکن است در حالتی نام در متن فارسی به عنوان در انگلیسی ترجمه شده باشد، پس یک الگوی مقابله‌ای ما نام: عنوان خواهد بود و یا ممکن است در حالتی عبارت اسمی معرفه فارسی به اسم خاص در انگلیسی ترجمه شده باشد پس الگوی دیگر ما عبارت اسمی معرفه: اسم خاص خواهد بود. عکس این عمل نیز در حالاتی ممکن است اتفاق بیفتد یعنی عنوان فارسی به نام انگلیسی و اسم خاص فارسی به عبارت اسمی معرفه انگلیسی (حرف تعریف + گروه اسمی) ترجمه شده باشد.

اکنون فرض کنیم که پس آمد دو الگوی مقابله‌ای بالا و عکس آنها را در متنی محاسبه کرده‌ایم و نتیجه به شرح زیر شده است.

	<u>فارسی</u>	<u>انگلیسی</u>	<u>پس آمد</u>
}	نام :	عنوان	۲۰ مورد
	عنوان :	نام	۱۵ مورد
}	عبارت اسمی معرفه:	اسم خاص	۲۰ مورد
	اسم خاص:	حرف تعریف + گروه اسمی	۱۵ مورد

از آنجا که نام از عنوان و اسم خاص از عبارت اسمی معرفه صریحتر است پس متن ترجمه شده انگلیسی در مورد ۱ صراحت کمتری دارد و حال آنکه در مورد ۲ صراحت بیشتری به دست آورده است. مطالب بالا را به طور ساده‌تر می‌توان به طریق زیر نشان داد:

الگو	بس آمد مستقیم	بس آمد معکوس
نام: عنوان	۲۰	۱۵
عبارت اسمی معرفه: اسم خاص	۲۰	۱۵

این محاسبه را می‌توان در مورد تک‌تک الگوها و یا جمع الگوهای مربوط به هر یک از مقوله‌های سه‌گانه اصلی نظام ارجاع، یعنی اسامی خاص، عبارات اسمی و ضمائر و یا جمع الگوهای مقابله‌ای انجام داد و در نهایت تفاوت هر یک از الگوها و یا فرد فرد مقوله‌ها و یا کل متن را محاسبه نمود. در پایان برای اینکه اطمینان حاصل کنیم که این تفاوتها از جهت آماری نیز معنی دار هستند؛ می‌توانیم از فرمول مربع خی (Chi Square) استفاده کنیم. وقتی تفاوت معنا دار بود صراحت بیشتر و یا کمتر دو متن مورد بررسی مشخص خواهد شد. البته این امکان هم وجود دارد که بس آمد معکوس الگویی صفر باشد که در محاسبه صفر محسوب خواهد شد. در این تحقیق با بهره‌گیری از مقاله یاول عزیز (۱۹۹۳) (که درجه صراحت یک متن عربی را با یک متن انگلیسی سنجیده است) و تجارب شخصی با تعدادی الگو که فهرست آن در زیر می‌آید امر مقابله در حال انجام است. طبعاً هرچه پیش برویم ممکن است به الگوهای جدیدی که در فهرست نیست بربخوریم که اضافه خواهد شد. البته تاکنون تعداد الگوهای جدید معدود بوده است. در فهرست زیر الگوهای مقابله‌ای مستقیم و معکوس زوج زوج با هم داده شده‌اند تا به کارگیری آنها در بررسی متون مورد نظر آسان باشد.

فارسی

۱. الف. اسم خاص
- ب. ضمیر
۲. الف. نام
- ب. ضمیر
- ج. اسم خاص
- د. عنوان

فارسی	انگلیسی
۳. الف. اسم خاص	: حرف تعریف، گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)
ب. عبارت اسمی معرفه	: اسم خاص
۴. الف. اسم خاص	: ضمیر ملکی + گروه اسمی
ب. گروه اسمی + ضمیر ملکی	: اسم خاص
۵. الف. اسم خاص	: ادات اشاره + گروه اسمی
ب. ادات اشاره + گروه اسمی	: اسم خاص
۶. الف. اسم خاص	: ادات نکره، گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)
ب. عبارت اسمی نکره	: اسم خاص
۷. الف. اسم خاص	: اسم خاص ملکی، گروه اسمی (عبارت ملکی با هسته اسم خاص)
ب. گروه اسمی + اسم خاص ملکی	: اسم خاص
۸. الف. گروه اسمی + اسم خاص ملکی	: ضمیر ملکی + گروه اسمی
ب. گروه اسمی + ضمیر ملکی	: اسم خاص ملکی + گروه اسمی
۹. الف. گروه اسمی + اسم خاص ملکی	: ادات تعریف، گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)
ب. عبارت اسمی معرفه	: اسم خاص ملکی + گروه اسمی
۱۰. الف. گروه اسمی + اسم خاص ملکی	: اسم عام معرفه ملکی، گروه اسمی (عبارت ملکی با هسته اسم عام معرفه)
ب. گروه اسمی + اسم عام معرفه ملکی	: اسم خاص ملکی + گروه اسمی
۱۱. الف. گروه اسمی + اسم خاص ملکی	: ادات اشاره + گروه اسمی
ب. ادات اشاره + گروه اسمی	: اسم خاص ملکی + گروه اسمی
۱۲. الف. گروه اسمی + اسم خاص ملکی	: ضمیر
ب. ضمیر	: اسم خاص ملکی + گروه اسمی
۱۳. الف. گروه اسمی + اسم عام معرفه ملکی	: حرف تعریف، گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)
ب. عبارت اسمی معرفه	: اسم عام معرفه ملکی + گروه اسمی
۱۴. الف. گروه اسمی + اسم عام معرفه ملکی	: ضمیر ملکی + گروه اسمی
ب. گروه اسمی + ضمیر ملکی	: اسم عام معرفه ملکی + گروه اسمی
۱۵. الف. گروه اسمی + اسم عام معرفه ملکی	: ادات نکره، گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)
ب. عبارت اسمی نکره	: اسم عام معرفه ملکی + گروه اسمی

فارسی	انگلیسی
۱۶. الف. گروه اسمی + اسم عام معرفه ملکی	: ادات اشاره + گروه اسمی
ب. ادات اشاره + گروه اسمی	: اسم عام معرفه ملکی + گروه اسمی
۱۷. الف. عبارت ملکی یا هسته	: عبارت ملکی یا هسته ضمیر مبهم
ب. عبارت ملکی یا هسته ضمیر مبهم	: عبارت ملکی یا هسته
۱۸. الف. عبارت ملکی یا هسته	: عبارت ملکی یا هسته محذوف
ب. عبارت ملکی یا هسته محذوف	: عبارت ملکی یا هسته
۱۹. الف. گروه اسمی + ضمیر ملکی	: ادات اشاره + گروه اسمی
ب. ادات اشاره + گروه اسمی	: ضمیر ملکی + گروه اسمی
۲۰. الف. گروه اسمی + ضمیر ملکی	: ادات نکره + گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)
ب. عبارت اسمی نکره	: ضمیر ملکی + گروه اسمی
۲۱. الف. گروه اسمی + ضمیر ملکی	: حرف تعریف + گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)
ب. عبارت اسمی معرفه	: ضمیر ملکی + گروه اسمی
۲۲. الف. گروه اسمی + ضمیر ملکی	: ضمیر
ب. ضمیر	: ضمیر ملکی + گروه اسمی
۲۳. الف. ادات اشاره + گروه اسمی	: ادات نکره + گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)
ب. عبارت اسمی نکره	: ادات اشاره + گروه اسمی
۲۴. الف. ادات اشاره + گروه اسمی	: ضمیر
ب. ضمیر	: ادات اشاره + گروه اسمی
۲۵. الف. عبارت اسمی معرفه	: ادات نکره + گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)
ب. عبارت اسمی نکره	: حرف تعریف + گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)
۲۶. الف. عبارت اسمی معرفه	: ضمیر
ب. ضمیر	: حرف تعریف + گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)
۲۷. الف. عبارت اسمی نکره	: ضمیر
ب. ضمیر	: ادات نکره + گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)
۲۸. الف. عبارت اسمی یا هسته	: عبارت اسمی یا هسته محذوف
ب. عبارت اسمی یا هسته محذوف	: عبارت اسمی یا هسته

در مورد فهرست بالا نکات زیر قابل ذکر است:

۱. جهت مقابله‌ الگوها از فارسی به انگلیسی است. چونکه متون اصلی فارسی و متون ترجمه‌ای انگلیسی می‌باشند. تحقیق جالب دیگر که می‌شود انجام داد این است که متون اصلی را انگلیسی و متون ترجمه‌ای را فارسی برگزینم. طبعاً نوع الگوهای مقابله‌ای و تعداد آنها نیز تا حدی فرق خواهد کرد.

۲. عضو اول (یعنی ارجاع فارسی) الگوهای الف در فهرست بالا همگی از عضو دوم (یعنی ارجاع انگلیسی) صریح‌ترند. این امر در الگوهای ب درست برعکس است. رخدادهای حاصله از الگوهای الف منتج به بس آمد معکوس خواهد شد و اختلاف این دو میزان صراحت را مشخص خواهد کرد.

اکنون در ادامه توضیح بیشتر شیوه کار به ذکر چند مثال در مورد برخی از الگوهای بالا می‌پردازیم. مثلاً از کتاب پیامبر که در سه جلد و در یک مجلد با شماره صفحات مسلسل چاپ شده انتخاب گردیده‌اند. ترجمه الول ساتن در سه جلد جداگانه منتشر شده و هر جلد شماره‌گذاری صفحات مستقل دارد:

تعدادی از مثالها از بین داده‌های خانم فاطمه پورفتح دانشجوی دانشگاه آزاد - واحد شیراز که مشغول تحقیقی در همین راستا برای رساله‌ خورش می‌باشند انتخاب شده‌است.

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. الگوهای الف و ب شماره ۱:

الف: اسم خاص

: ضمیر

ب: ضمیر

: اسم خاص

مثال الف:

و بی اختیار اشک شوق از دیدگان ابوبکر جاری شد (ج ۲، ص ۳۲۶)

And he could not stop the tears of emotion from pouring down his cheeks

(vol. 2, p. 27)

مثال ب:

او جواب داد (ج ۲، ص ۳۱۸ (Replied Abbas (vol. 2, p. 22

۲. الگوهای الف و ب شماره ۸:

الف: گروه اسمی + اسم خاص ملکی : ضمیر ملکی + گروه اسمی
 ب: گروه اسمی + ضمیر ملکی : اسم خاص ملکی + گروه اسمی
 مثال الف:

و از آنجا مستقیم به خانه ورقه رفت. (ج ۲، ص ۳۲۳)

He went on to his house (vol. 2, p. 26)

مثال ب:

دادنامه او را می‌پذیرفتند. (ج ۲، ص ۳۲۵)

There was a general indication to accept Abu Bakr's judgement (vol. 2, p. 25)

۳. الگوهای الف و ب شماره ۱۳:

الف: گروه اسمی + اسم عام معرفه ملکی : حرف تعریف + گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)
 ب: عبارت اسمی معرفه : اسم عام معرفه ملکی + گروه اسمی

مثال الف:

سپس دست طفل را گرفت. (ج ۲، ص ۳۲۲)

Then he took the child by the hand (vol. 2, p. 24)

مثال ب:

سکوتی که در اعماقش حرف بود (ج ۳، ص ۷۷۴)

A silence that seemed filled with the voices of the dead (vol. 3, p. 237)

۴. الگوهای الف و ب شماره ۱۹:

الف: گروه اسمی + ضمیر ملکی : ادات اشاره + گروه اسمی
 ب: ادات اشاره + گروه اسمی : ضمیر ملکی + گروه اسمی
 مثال الف:

داستان او را برای تو گفته‌ام (ج ۲، ص ۳۲۴)

I have told you that story (vol. 2, p. 24)

مثال ب:

این خشوع به درگاه خدا را ندیده بود بی اختیار گفت (ج ۲، ص ۳۱۸)

Deeply moved by their humility (vol. 2, p. 22)

۵. الگوهای الف و ب شماره ۲۳:

الف: ادات اشاره + گروه اسمی : اذان نکره + گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)

ب: عبارات اسمی نکره : ادات اشاره + نکره اسمی

مثال الف:

این صفت تا آخر عمر با وی می ماند (ج ۲، ص ۳۲۲)

A quality stayed with him until the end of his life (vol. 2, p. 24)

مثال ب:

زنان و کنیزان در روابط خود آزاد بودند (ج ۳، ص ۷۵۱)

There was no restriction on the conduct of these wives and slaves. (vol. 3, p.

214)

۶. الگوهای الف و ب شماره ۲۷:

الف: عبارات اسمی معرفه : ضمیر

ب: ضمیر : گروه اسمی (عبارت اسمی معرفه)

مثال الف:

بیمی سراپای غلام را فراگرفت (ج ۲، ص ۲۹۶)

Terror seized of him (vol. 2, p. 2)

مثال ب:

ورقه همانها را با شادمانی به دوستان خود گفت. (ج ۲، ص ۳۱۷)

Warqa immediately passed the word along to his friends (vol. 2, pp. 21-22)

۷. الگوهای الف و ب شماره ۲۸:

الف: عبارات اسمی نکره : ضمیر

ب: ضمیر : اذان نکره + گروه اسمی (عبارت اسمی نکره)

مثال الف:

یک مرتبه به طرف فرشتگان متوجه می شوند و دسته جمعی می پرسند (ج ۳، ص

(۷۸۲)

All at once, the People will cry out to them (vol. 3, p. 245)

مثال ب:

در همه نقاط آسمان او را دیدم. (ج ۲، ص ۲۹۷)

In every part of the sky I saw a vision (vol. 2, p. 3)

۸. الگوهای الف و ب شماره ۲۹:

الف: عبارت اسمی با هسته : عبارت اسمی با هسته محذوف

ب : عبارت اسمی با هسته محذوف : عبارت اسمی با هسته

مثال الف:

ابن ارقیط و عامر بر شتر دیگر سوار شده راه یثرب را پیش گرفتند. (ج ۳، ص ۵۵۱)

Ibn Uriqat and Amir on the other and continued on the road to Yathrib

(vol. 3, p. 2)

مثال ب:

دیگر آنکه بهترین تعبیر کننده خواب بود (ج ۲، ص ۳۲۵) زبیدی

His other virtue was that he was a skilled interpreter of dreams (vol. 2, p. 23)

۴. نتیجه بحث و پایان مقال

وقتی که مقابله متون به ترتیبی که گفته شد پایان پذیرفت؛ محاسبات صورت خواهد گرفت. گفته شد که می شود صراحت فرد فرد الگوهای ۲۹ گانه را محاسبه کرد. در مرحله بعد می توان الگوهایی را که با هم نزدیک هستند در یک رده با هم قرار داد. مثلاً تمامی داده ها را در زیر سه گروه الگوهای مربوط به اسامی خاص (الگوهای ۱ تا ۷)، الگوهای مربوط به عبارات ملکی (الگوهای ۸ تا ۲۲) و الگوهای مربوط به عبارات اسمی (الگوهای ۲۳ تا ۲۹) آورد که این هم خود می تواند اطلاعات سودمندی در اختیار محقق قرار دهد و در نهایت همه داده ها را یک جا محاسبه نمود.

تاکنون متنی حدود ۵۰/۰۰۰ کلمه از کتاب پیامبر رهنما با متن انگلیسی متناظر آن مورد مقابله قرار گرفته است. نتیجه نشان می‌دهد که گروه اسامی خاص و عبارات اسمی در فارسی صراحت بیشتری دارند ولی میزان صراحت عبارات ملکی در انگلیسی بیشتر بوده است و در جمع متن فارسی از ترجمه انگلیسی آن صریحتر بوده است. هنوز خیلی زود است که این نتایج را نهایی تلقی کنیم تا بتوانیم براساس آن بحثهایی نظری عرضه داریم.

ولی من وسوسه می‌شوم که در پایان مقال یک نکته را بگویم و آن این است که این کتاب درباره زندگی پیامبر است که مورد احترام عموم مسلمانان است. ما برای رعایت ادب با نام و عنوان یعنی صریحترین نوع ارجاع به پیامبر و یارانش خطاب می‌کنیم که این مطلب شاید در این حدود در انگلیسی صادق نباشد. شاید صراحت بیشتر متن فارسی در بخش اول را بتوان به مسائل اجتماعی از این دست مرتبط ساخت.

بحث جدی در این باب و نیز کاربرد نتایج این پژوهش در ترجمه و آموزش زبان دوم نیز به گزارش بعدی که نتایج کلیه داده‌ها در دست باشد موقوف می‌شود.

پیوست:

- ۱- این مقاله منبع از پروژه‌ای تحقیقی است که هزینه آن توسط شورای تحقیقات دانشگاه شیراز پرداخت می‌شود. بدینوسیله از شورای تحقیقات سپاسگزاری می‌شود.
- ۲- خلاصه‌ای از این مقاله در سومین کنفرانس زبان‌شناسی کشور (اسفندماه ۷۴) در دانشگاه علامه طباطبایی ارائه گردید.

مراجع:

الف) فارسی

- ۱- اسفرازی، معین‌الدین. به اهتمام محمدکاظم امام. روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۳۸.
- ۲- تفسیر قرآن مجید. نسخه کمبریج. به تصحیح جلال متینی. ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۴۹
- ۳- دشتی، علی. دمی با خیام. تهران. امیرکبیر. (۱۳۴۴).
- ۴- رکنی موسوی لاری، سیدمجتبی. اسلام و سیمای تمدن غرب. قم. دفتر انتشارات اسلامی. (۱۳۶۰)
- ۵- رهنما، زین‌العابدین. پیامبر. چاپ بیست و یکم. تهران. انتشارات زوار. (۱۳۵۳).
- ۶- شمیسا، سیروس. معانی. تهران. نشر میترا. (۱۳۷۴)
- ۷- همینگوی، ارنست. مرد پیر و دریا. ترجمه نجف دریابندری. تهران، خوارزمی. (۱۳۶۳)
- ۸- یار محمدی، لطف‌الله. ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتز جرالده. مترجم سال ۲، شماره

۴. (۱۳۷۱). این مقاله در مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی به کوشش سیدعلی میرحمادی (۱۳۷۳). تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. (۱۳۷۳). در پانزده مقاله در زبانشناسی مقابله‌ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن و گفتمان از لطف‌الله یارمحمدی (۱۳۷۳). تهران. انتشارات رهنما. ۱۳۷۳. نیز به چاپ رسیده است.

ب) انگلیسی:

1. Aziz, Y. Y. (1993) "Explicit and Implicit Reference in Arabic-English Translation" Babel vol. 39, No. 3.
2. Dashti, A. (1971) In Search of Omar Khayyam. Trans. by Elwell-Sutton, L. P. London; George Allen and Unwin Ltd.
3. Halliday, M. A. K. and Hasan, R(1976) Cohesion in English. London: Longman.
4. Hemingway, E. (1952) The Old Man and the Sea. London: Triad/ Panther Books.
5. Lyons, J. (1977). Semantics, 2 Vols. Cambridge: Cambridge University Press.
6. Nizam Al-Mulk (1978) The Book of Government or Rules For Kings, (2nd. ed.). London: Routledge and Kegan Paul.
7. Rahnama, Z. (1971) Payambar: The Messenger. Trans. by Elwell-Sutton, L. P. Tehran: Kakhe Chap.
8. Rukni Musavi Lari, S. M. (1977) Western Civilization Through Muslim Eyes. Trans by Goulding, F. G. Qum: Ansarian Publications.

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی